

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من میاد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشته: رالف رُودلف و اُوِه مَرکوس
Ralf Rudolph und Uwe Markus
ترجمه از المانی:

دیپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین - ۲۸ فیروری ۲۰۱۶

عقب نشینی مُهاجمان

تذکرِ مُترجم:

مضمونی، که جهت ترجمه انتخاب گردیده، مفصل است و بس طولانی؛ ازین رو در اول می خواستم محض قسمتهائی از آن را ترجمه نمایم. اما وقتی ترجمه را آغاز کردم، موضوع از نگاه جنگی و سیاسی آن قدر جالب به نظرم رسید، که حیقم آمد به کل مضمون پرداخته نشود. البته تجویز را چنان گرفتم، تا مقاله در دو قسمت تقسیم گردد، تا طوالت موضوع خسته کن ننماید. از طرف دیگر چون مسائل حربی در میان است و این قلم با اصطلاحات عسکری افغانستان کاملاً آشنا، بهتر دانستم تا چشم خواننده عزیز و بالخاصه مترجمان دگر، به همین اصطلاحات، که مخصوص خود مایند و در اردوی زمان صلح افغانستان معمول بوده اند و در نظر مردم ما کاملاً مأنوس، آشنا گردد. چه بسا مترجمان چنین مضامین بنا بر عدم آشنائی با اصطلاحات اردوی افغانستان، در عوض از اصطلاحات مروّج عسکری ایران و آنچه را در مطبوعات ایرانی خوانده اند، کار می گیرند؛ و این امر را نه تنها حیف، که حتی شایان تأسف می دانم!!! درین ترجمه بعضاً از اصطلاحات زیبای عامیانه کابلی نیز کار گرفته شده است.

نویسندگان دوگانه این مقاله به درستی دریافته اند، که ممالک ناتو در برپاساختن ماجرای سوریه و تار و مار شدن این مملکت آباد و پیشرفته عربی، تا چه حدّ رول داشته اند. سیاست جهانیان و جهانخواری و جهانستانی غرب، ایجاب می کرد، که این کشور، که آخرین پایگاه روسیه در منطقه می باشد، باید از دست روسیه کشانده شود. بالخاصه که سوریه یگانه قدرت منطقه بود، که خار چشم نظامی "نورچشم" جهان غرب و امریکا؛ یعنی "اسرائیل"، بود و ازین نگاه نیز باید و بالقطع متلاشی می گردید. رول اساسی این سناریو، به "ترکیه" سپرده شد، که عضو فعال ناتو و پیشقراول این پیمان نظامی در منطقه است. دولت ترکیه با سرسپردگی خاصی، که به اضلاع متحده امریکا و ناتو دارد، این وظیفه ناشریف و ضد انسانی و دور از مسلمانی را از دل و جان پذیرفت و در صحنه عمل درآورد، ولو که پسلگد این ماجراجویی، خود ترکیه را در آستانه بی ثباتی قرار داده است. در واقع رول ترکیه درین قضیه، شباهتهائی به رول پاکستان در لیل و نهار افغانستان دارد. ازین رو موضوع سوریه برای ما افغانها به خاطر همین موازاتها نیز، زیاد قابل توجه می باشد.

معروفی، برلین - ۲۷ فیروری ۲۰۱۶

عقب نشینی مهاجمان

(قسمت اول)

قطعات سوریه‌ای از برکت حمایت روسیه، تا نزدیکی حلب پیشروی کرده اند و جنگ افروزی پنهانی ترکیه در مملکت همسایه اش، سوریه، به ناکامی انجامیده است. مگر غرب بالآخره سر عقل خواهد آمد؟؟؟ قوای زمینی و شبه نظامیان سوریه از چندین هفته بدین سوی، به کمک قوای هوایی روسیه، به طرف ولایات لاذقیه و ادلب در شمال و شمالغرب، در حال پیشروی هستند؛ به طرف حلب و سرحد ترکیه. قوای تروریستی اسلامیستی، که در آنجا فعالیت می کنند، عقب زده شده اند؛ در حدی، که قسماً با بی سر و سامانی و پریشانی خود را دوباره به طرف سرحد ترکیه می کشانند.

اردوی سوریه برای این عملیات، آمادگی کافی و درست گرفته بود. بعد از آن، که حریف در مناطق مهم ولایات مذکور به اثر ضربات هوایی روسیه، تضعیف شد، تهاجم در جنوب حلب آغاز گردید. در عین زمان حملاتی جهت استرداد پایگاه عسکری السفیره در جنوبشرق حلب و پایگاه هوایی کُوپرس پیش برده شد؛ یعنی حملاتی که در گذشته از طرف جنگجویان "دولت اسلامی"، متوقف ساخته شده بود. قوای زمینی سوریه با ملیشه های ایرانی و سه هزار جنگجوی حزب الله لبنان و همچنان با مشاوران نظامی روسی، تقویه می گردند. درین عملیات به تعداد ده هزار عسکر پیاده سوریه حصه گرفته اند.

قوای سوریه قبلاً تا ۲۵ کیلومتری سرحد ترکیه، پیشروی کرده بودند. علاوه بر آن قومندانی این قواء همان روز گزارش داد، که موفق شده است، تا چندین قطعه گوریلانی مخالف دولت اسد را، که قسمتی از حلب را زیر کنترل خود دارند، به محاصره خود کشانده و خطوط اکمالاتی ایشان را قطع نمایند. البته این امر بعد از آزادسازی شهرهای نُبُل و الصحراء، ممکن گردید. لوی چل و سوم فرقه چارم میکانیزه اردوی دولتی، علاوه بر آن، مسیری را که به شهرهای خان العسل و الرشیدیین ختم می شود، در حوالی حلب تحت کنترل خود درآورده، مطمئن ساخت (تأمین کرد). بدین ترتیب اردوی سوریه در موقعیت مناسبی قرار گرفته است، تا به فتح مجدد هردو شهر بپردازد. خان العسل در سال ۲۰۱۳ به تصرف "جبهه النصره" و لشکر به اصطلاح "اردوی آزاد سوریه" (FSL) درآمده بود. در آن زمان تمام عساکر اسیرشده دولتی، به دست شورشیان به قتل رسیدند.

جبهه النصره و قطعات ترکمنی FSL، با آزادسازی شهر مهم ستراتژیک "سلما" در شمالشرق منطقه ساحلی لاذقیه، یکی از بزرگترین شکستهای سه سال آخر خود را متحمل گردیدند. شهر "سلما" در بلندترین نقطه کوهستان ترکمن نشین، موقعیت دارد. فتح این شهر اردوی سوریه را در موقعیتی قرار می دهد، که به سادگی تا سرحد ترکیه پیشروی نماید.

ترکمنهای شمال سوریه احفاد اهالی ترکنژادی می باشند، که بعد از سقوط امپراتوری عثمانی در مناطقی، که اینک متعلق به سوریه و عراق می باشد، باقی ماندند. قسمتی ازین اهالی سوریه، در شهرهای دمشق و حلب و حمراء و حُمص و لاذقیه، ولی بالاکثر در منطقه الجزیره، سکونت دارند. و ترکمنهای عراق، بیشتر ساکن مناطق کردنشین می باشند. منابع ترکی تعداد ترکمنهای سوریه و عراق را که قسماً ترکی گپ می زند، از هفت صد و پنجاه هزار تا یک و نیم میلیون نفر تخمین می کنند. اینها (ترکمنها) از ابتدای جنگی، که از طرف ناتو درین کشور به راه انداخته شده است، جانب ترکیه را گرفتند.

اردوی سوریه قبلاً در ماه نومبر موفق گشت، تا سنگر مهم شورشیان، موسوم به "عمام" را، که غالباً ترکمنتبار اند و در منطقه توریستیک کاملاً شمالغرب کوهستان ترکمن قرار دارد، آزاد بسازد؛ و در ماه دسمبر پارسال، توانست مواضع خود را در منطقه تثبیت نماید. قطعات اردوی سوریه با گامهای هوشیارانه تکنیکی پیش رفتند، بدین ترتیب که اولاً مناطق مرتفع کوهستانی و غالباً خالی از سکنه را متصرف شدند و بالوسیله تمام دره ها و راهها و قرای منطقه را زیر کنترل خویش درآوردند. قطعات طرف مقابل نتوانستند ازین مناطق دفاع نمایند، چون قوای دولتی سوریه از یک طرف سلاح توپچی و ابوس و راکت انداز در اختیار داشتند، و از طرف دگر از حمایت قوای هوایی روسیه برخوردار بودند، که مراکز قومنده و خطوط لوژیستیکی شورشیان را در هم می کوید.

بدین ترتیب زیربنای ملیشه ها کاملاً امحاء گردید، پیش از آن که قطعات پیاده دولتی به تهاجم بر سنگرهای مخالفان بپردازند و تا قلب مناطق متصرفه شورشیان پیش بروند. یعنی؛ بعد ازین که آخرین نقاط شمالی کوهستان ترکمن نشین فتح شد، قوای دولتی قادر گشتند، تا قطعات ملیشه های شورشیان و همچنان خطوط اکمالاتی و مناطق قاچاق آنها را تا سرحد ترکیه تصفیه نمایند.

اگر اردوی سوریه بتواند پیشروی قوای خود را با قوای کُردی در شمال هماهنگ بسازد، تمام نیروهای جبهه النصره و داعش در محاصره ایشان خواهند افتاد و در سرحد ترکیه تنها یک دهلیز در کنترل داعش خواهد ماند. البته کُردانی، که در شرق دریای فرات سکونت دارند، می توانند مانع این کار گردند. با وجودی، که حکومت ترکیه قبلاً اعلان کرده بود، که از گذر کردان به ساحل غربی فرات جلوگیری خواهد کرد، اما منتفی نمی تواند بود، که قوای جنگی ایشان(کردان)، بدین امر مبادرت ورزند. نتیجه این کار می تواند، موقعیت سیاسی کردان سوریه را تقویت نموده و باعث ناکامی ستراتژی فعلی انقره گردد، که در صدد جلوگیری از خودمختاری کُردان سوریه می باشد، از ترس این که مبادا سرمشقی برای مناطق کردنشین ترکیه گردد.

رول ترکیه:

سیاستمداران و میدیای غرب با اشاره به وضع شهر حلب و گسیختن اکمالات گوریلاهای ضد دولت سوریه در میدان نبرد، به صورت جمعی دهان به شکایت باز می کنند. بدین وسیله بدون این که بخواهند، تصدیق می نمایند، که به درجه اول اکمالات شورشیان، که از طریق عضو ناتو؛ "ترکیه"، صورت می گیرد، ایشان را قادر ساخته است، که جنگ خود را با قوای دولتی سوریه، ادامه بدهند. و این کاری بوده است، که بدون موافقه غرب انجام داده شده نمی توانست، چون این امر تضعیف موقف بشارالاسد را مد نظر داشت. وقتی نتوانستند رئیس جمهور سوریه را به زور نظامی از میدان بردارند، چرا حد اقل به جهانیان وانمود نکنند، که اردوی "اسد" دیگر قادر به کنترل شهر مهم و بزرگ حلب نیست؟ مد نظر مگر این هم بود، تا موقف بشارالاسد را در مذاکرات صلح، سست بسازند. از همین خاطر هم دست ترکیه را آزاد ماندند، تا به اکمالات نظامی گروههای مختلف شورشی و تروریستی بپردازد و بحران را از خارج دامن زده برود. بدین ترتیب، نگرانی غرب به خاطر موفقیتهای اخیر جنگی اسد و فرار هزاران نفر از مناطق جنگی، چیز دیگری را نشان نمی دهد، غیر از منافقت غرب را. اگر اردوی سوریه به تصفیه "حلب" و مناطقی تا شصت کیلومتری سرحد ترکیه موفق گردد، امکانات ترکیه را جهت برپاداری مناطق و جزیره های نظامی طرفدار خود، در قلمرو دشمن(سوریه)، محدود خواهد ساخت. حکومت رجب طیب اردوان مگر از ناحیه دیگری نیز به مضیقه کشانده شده است:

حکومت او باید تری تری سیل کند(ببیند)، که چه گونه گروههای شورشی مورد حمایت ایشان - و بالخاصه، لواهای ترکمنی - امحاء و یا، که مجبور به فرار ساخته می شوند. گرچه اردوی ترکیه این گروهها را با رساندن اکمالات عسکری و با زیر آتش گرفتن مناطقی در داخل سوریه توسط اُوسهای زره دار خود، کمک می کند؛ اما شورشیان انتظار حملات هوایی ترکیه را برده نمی توانند. از زمانی، که قوای هوایی ترکیه یک طیاره "سو - ۲۴" روسیه را به تاریخ ۲۴ نومبر پارسال سقوط دادند، که باعث توسعه تقویه دفاع هوایی روسیه در سوریه گردید، ترکیه دیگر جرأت و زهره آن را ندارد، تا با چنین یک مداخله مستقیم در جنگهای داخلی سوریه، خطر را به جان بخرد.

البته رساندن اکمالات و تقویه مستقیم شورشیان از طریق سلاح توپچی در داخل مملکت همسایه، سوریه، از نگاه حقوق بین الدول، خود یک عمل تجاوزکارانه در امور داخلی یک کشور مستقل است. و عجباً، که این عمل ناجائز عضو ناتو، ترکیه، چرت هیچ سیاستمدار ممالک غربی را خراب نمی سازد؟؟؟ همین قسم، این که چرا ترکیه به سرکوب اهالی کُردی خود می پردازد و قطعات کُردی را در داخل سوریه کوبیده می رود، احتجاج رسمی حکومت غربی را بار نمی آورد؟؟؟ اما همه خوب می دانند، که بالخاصه گروههای گوریلائی ترکمنی تحت رژی حکومت ترکیه تحریک گردیدند، تا پاچه قطعات جنگنده کُردی را در داخل سوریه بگیرند، در حالی، که همین قطعات در عین زمان مورد ضربات قوای داعش قرار گرفتند. البته غرب خاموشی اختیار کرده است، تا ترکیه عضو ناتو را در امر متوقف ساختن جنبش فرارها(مهاجرتها) به طرف اروپا، ترغیب کنند و علاوه بر آن، بدون پایگاه هوایی "انچرلیک" ترکیه عملیات نظامی ائتلاف تحت رهبری اضلاع متحده آمریکا در خاک سوریه، ناممکن می شود.

با هر پیشروی دیگر قوای سوریه، امکانات نظامی و سیاسی، بالخاصه برای ترکیه و عربستان سعودی، کمتر شده می‌رود. از همین خاطر تقاضاها در انقاره و خصوصاً در ریاض شدیدتر شده می‌رود، تا جهت جلوگیری از این امر به اعزام قوای پیاده در سوریه مبادرت ورزیده شود - معلومدار با گرفتن موافقه واشنگتن. البته طوری که مقامات عسکری روسیه اشارت می‌کنند، شاید انقاره نیز به وسواس افتد، تا قطعات منظم عسکری خود را بدانجا بفرستد. چنین گام خطیری مگر از نگاه سیاسی، معنای خارج شدن موضوع از کنترل را دارد، که موافق به منافع حکومت فعلی امریکا نیست.

چون چنین کاری معنای توسعه منطقی جنگ را دارد، که روسیه و جمهوری اسلامی ایران را وارد معرکه خواهد ساخت. مسدود سازی خلیج فارس و احتمالاً حملات به ترمینالهای تیل عربستان سعودی، ضربه مهلکی را به اقتصاد غرب خواهد زد.

بدین ترتیب با امحای کامل دسته های شورشی مخالف دولت در شمال سوریه، فقط یک بازنده خواهیم داشت، که ترکیه باشد.

اردوان اردوی ترکمنی را برپا می‌دارد

نسخه سیاست خارجی اردوان قرین موفقیت نیست. او که خواب "عثمانیهای نو" را می‌بیند، پیر (قطعه) قوای نظامی اقلیتهای ترکمنی سوریه و عراق را، که از نگاه وی همه ترکنژاد اند، به میدان انداخت. از همین خاطر ترکیه خود را حافظ منافع این اقلیتهای، تبلیغ می‌نمود. سعی وی درین بود، تا در درجه اول ترکمنهای سوریه را جهت سیاسی داده و از نگاه عسکری آماده بسازد. بنابراین تشکیلات سیاسی آنها به مجرد درگرفتن جنگ سوریه در اواسط سال ۲۰۱۱ با حمایت وسیع اردوان در استامبول تأسیس شد. درین رابطه باید از همه بیشتر، از "اتحادیه ترکمنهای سوریه" نام برد. این اتحادیه عضویت "شورای ملی سوریه" را دارد، که "اردوی آزاد سوریه" نیز متعلق بدان است. ملیشه های مختلف شمال سوریه، که تحت نام "لواهای ترکمنی سوریه" یاد شده و تقریباً هریک، نام یک سلطان عثمانی را بر سر خود گذاشته است، هم بدین شورا تعلق دارند. ترکیه متخصصان عسکری خود را بدین منظور به سوریه فرستاده، تا قطعات ترکمنی را تعلیم نظامی داده و رهبری نمایند. علاوه بران، صدها نفر از اتباع ترکیه نیز رضاکارانه بدین قطعات پیوستند. بدین مناسبت، مثلاً حزب "اسلامی - ناسیونالیستی" "Büyük Birlik Partisi (BBP)" "بیویوک بیرلیک پارتیسی"؛ یعنی "حزب اتحاد بزرگ"، که با گروه نیوفاشیستی "گرگهای خاکستری" نزدیک است، در نومبر ۲۰۱۵ در استامبول تصمیم گرفت، که به تعداد ۲۵۰ ملیشه و شش صاحبمنصب عسکری و پولیس را به مناطق جنگی ترکمنهای سوریه بفرستد. چون رژیم اردوان هیچ اقدامی جهت جلوگیری از این امر نکرد، باید نتیجه گرفت، که خود با این کار موافق است؛ با وجودی، که می‌دانست، که فرستادن عساکر خارجی در جنگ سوریه نه تنها تخطی از حقوق بین الدول است، بلکه قطعنامه شورای امنیت ملل متحد را نیز زیر پای می‌کند. حکومت ترکیه حتی به لواهای ترکمنی اجازه عبور و مرور از سرحد خود را نیز داد؛ و این بدین معناست، که این قطعات اجازه فعالیت از خاک ترکیه را نیز دارند. کاملاً آشکار است، که ترکیه در نظر دارد، تا ترکمنها را بعد از ختم این جنگ داخلی، به حیث وزنه مقابل در برابر کردها و پروژة خودمختاری آنها وارد میدان بسازد. جنگجویان لواهای ترکمنی همین حالا بالخاصه در جنوب ولایت "هاتای"، در داخل قلمرو سوریه به کار انداخته شده اند، تا مانع انتقالات قاچاقی داعش(دولت اسلامی) در خاک ترکیه گردند. درین ناحیه گروههای ترکمنی با "النصره"، که چوچه و زوزاد "القاعده" است، همکاری می‌کنند.

چون لواهای ترکمنی در شمال عراق نیز، در منطقه کردها فعالیت می‌کنند، می‌توان حدس زد، که مارش قطعات جنگی ترکی در گذشته نچندان دور در شمال عراق، نه مطابق ادعای اردوان، جهت کمک به کردهای در حال جنگ، صورت گرفته است. بلکه ترکیه می‌خواست خود را به حیث عامل(عمل کننده) بلافصل قضیه وارد میدان سازد، تا بدین وسیله زمینه تحقق تقاضاهای سیاسی خود را در عراق بعد از جنگ، مهیا گرداند. زیرا تنها کسی، که عملاً در قضایای جنگی این بحران حصه دارد، می‌تواند در پروسه معاملات رول دومدار بازی کرده و به درجه اول بعد از ختم این جنگ، در اعمار مجدد سوریه و عراق، منافع اقتصادی خود را تأمین نماید. این پروسه را مگر پیشروی اردوی سوریائی، لااقل در سوریه به خطر مواجه گردانیده است.

(پایان قسمت اول)